

بدعت چیست و بدعت گذار کیست؟

<?xml encoding="UTF-8">

بدعت چیست و بدعت گذار کیست؟

استاد جعفر سبحانی معنای لغوی بدعت "بدعت" در لغت به معنی کار نو و بی سابقه‌ای است که بیانگر نوعی حسن و کمال در فاعل می‌باشد، چنانکه یکی از صفات خداوند "بدیع" است: «بدیع السموات و الارض» (بقره/117). مفهوم اصطلاحی بدعت نیز آن است که انسان چیزی را که جزو شریعت نیست، به آن نسبت دهد، و کوتاهترین عبارت برای تعریف اصطلاح بدعت آن است که بگوییم: ادخال ما لیس من الدین فی الدین. بدعت گذاری در دین از گناهان کبیره بوده و در حرمت آن هیچ تردیدی نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کل محدثة بدعة و کل بدعة ضلالة، و کل ضلالة فی النار (1) نکته مهم در مسئله بدعت، تنها این است که مفهوم بدعت به صورتی جامع و مانع تعریف و تبیین شود تا بدعت از غیر آن تمیز داده شود در این زمینه، برای درک حقیقت بدعت، بایستی به دو مطلب توجه نمود:

1. بدعت، نوعی تصرف در دین، از طریق افزودن یا کاستن شریعت است. بنابر این، آنجا که نوآوری ربطی به دین و شریعت نداشته، بلکه به عنوان یک مسئله عرفی و عادی انجام گیرد، بدعت نخواهد بود (هرچند مشروع بودن آن مشروط به این است که ابداع و ابتکار مزبور در شرع محرم و ممنوع نباشد). فی‌المثل، بشر از نظر مسکن و پوشاک و دیگر وسایل زندگی همواره دست به نوآوری‌هایی می‌زند و بویژه در عصر ما بسیاری از روشها و ابزارهای معمول زندگی دگرگون شده و برای نمونه انواع ورزشها و تفریحات جدید پدید آمده است. بدیهی است همه اینها یک نوع بدعت (به معنی نوآوری) بوده، ولی ارتباط به بدعت در شرع ندارد. تنها، چنانکه گفتیم، حلال بودن آنها و استفاده از آنها مشروط به این است که مخالف با احکام و موازین شرع نباشند. مثلاً، اختلاط زن و مرد بدون حجاب در مجالس و محافل، که از ارمغانهای فاسد غرب می‌باشد، حرام است ولی بدعت نیست، زیرا کسانی که در این محافل شرکت می‌کنند، این کار را به عنوان یک عمل مشروع که اسلام بر آن صحنه نهاده انجام نمی‌دهند، بلکه احیاناً با اعتقاد به اینکه امری مخالف شرع است، روی عدم مبالغت تن به این کار می‌دهند. لذا گاه تنبه یافته و تصمیم جدی می‌گیرند که دیگر در آنها شرکت نوزند.

برای توضیحات فوق، چنانچه ملتی روز یا روزهایی را برای خود موسم شادی و گردهمایی معین کنند، اما نه به این قصد که شرع چنین دستوری داده است، چنین کاری بدعت نیست، هرچند بایستی حلیت و حرمت آن از جهات دیگر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از اینجا روشن می‌شود که بسیاری از نوآوریهای بشری در زمینه هنر، ورزش، صنعت و غیره از قلمرو بدعت اصطلاحی بیرون بوده، و آنچه درباره آنها مطرح است مسئله حلال و حرام بودن آنها از جهات دیگر است که خود ملاک و مقیاس خاص خویش را دارد.

2. اساس بدعت اساس بدعت در شرع به این نکته باز می‌گردد که چیزی را به عنوان یک امر شرعی که دین به آن فرمان داده به کار برند، در حالیکه برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه‌ای در شرع وجود نداشته باشد؛ ولی هرگاه کاری را که انسان به عنوان یک عمل دینی انجام می‌دهد، دلیل شرعی (به صورت خاص، یا کلی و عام) بر مشروعیت آن وجود داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود. ازینروست که علامه مجلسی، عالم بزرگ شیعی،

می‌گوید: "البدعة في الشرع ما حدث بعد الرسول [بما انه من الدين] و لم يكن فيه نص على الخصوص ولا يكون داخلا في بعض العمومات". (2) : بدعت در شرع، چیزی است که پس از رسول گرامی حادث شده و دلیل شرعی خاص یا عامی نیز بر جواز آن در کار نباشد.

ابن حجر عسقلانی، دانشمند مشهور اهل سنت، نیز می‌گوید: "البدعة ما احدث و ليس له اصل في الشرع، و ما كان له اصل يدل عليه الشرع فليس ببدعة" (3) : بدعت چیزی است که (پس از پیامبر) پدید آمده باشد، دلیلی حاکی از جواز آن در شریعت یافت نشود؛ و آن چیزی که اصل و ریشه‌ای در دین دارد، بدعت نخواهد بود. آری، هرگاه عملی را که به شرع نسبت می‌دهیم مستند به دلیلی خاص یا ضابطه‌ای کلی در شرع باشد، مسلماً بدعت نخواهد بود. صورت نخست (وجود دلیل خاص) نیاز به بیان ندارد. مهم توضیح قسمت دوم است، زیرا چه بسا ممکن است يك عمل ظاهراً حالت نوآوری داشته و در تاریخ اسلام بی‌سابقه باشد ولی معنا تحت ضابطه‌ای قرار گیرد که شرع اسلام آن را به صورت کلی پذیرفته است. به عنوان نمونه، می‌توان از سرباز گیری عمومی یاد کرد که امروزه در نوع کشورها اجرا می‌شود. دعوت جوانان به خدمت زیر پرچم به عنوان وظیفه دینی، هرچند حالت نوآوری دارد، ولی چون يك اصل و قاعده دینی پشتیبان آن است بدعت نخواهد بود. زیرا قرآن می‌فرماید: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» (انفال/60). بدیهی است بر اثر تحولات جهانی، آموزش عمومی رزمی برای جوانان موجب آمادگی بیشتر در مقابل دشمن مترصد و گوش بزننگ است و عمل به روح آیه شریفه، در عصر ما، مقتضی همین امر است.

از بیان فوق، بسیاری از شبهات واهی که بر دست و پای برخی از افراد پیچیده است حل می‌شود. برای نمونه، انبوه مسلمانان جهان روز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را جشن می‌گیرند و گروهی این امر را بدعت می‌نامند! در حالیکه، طبق آنچه گفتیم، هرگز ملاك بدعت بر آن صادق نیست. زیرا به فرض هم که این نوع تکریم و اظهار محبت، در شرع وارد نشده باشد، ولی اظهار محبت به پیامبر گرامی اسلام و خاندان او - سلام الله علیهم اجمعین - یکی از اصول مسلم اسلام است که این‌گونه جشنها و احتفالات مذهبی جلوه و مظهری از آن اصل کلی است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه من ماله و اهله و الناس اجمعين" (4) : هیچکدام از شما مؤمن نخواهد بود، مگر آنکه من نزد او از فرزندان وی و تمامی مردم، محبوبتر باشم.

ناگفته پیداست کسانی که در موالید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام اظهار شادمانی کرده و بدین منظور مجالسی تشکیل می‌دهند، هدفشان این نیست که برگزاری جشن در این ایام، منصوص بوده و دستور برگزاری جشن عیناً به صورت خاص امروزی، در شرع وارد شده است؛ بلکه اعتقاد آنان این است که اظهار محبت به رسول گرامی و اهل بیت او يك اصل کلی است که در کتاب و سنت با تعبیر گوناگون بر آن تکیه شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسالکم عليه اجرا الا المودة في القربى» (شوری/23): بگو من برای ابلاغ رسالت پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان و نزدیکان؛ و این اصل می‌تواند در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی مسلمین، برای خود جلوه‌ها و مظاهری پیدا کند. گرفتن جشن در موالید، جنبه یادآوری نزول رحمت و برکت خدا در آن ایام، و شکرگزاری به درگاه الهی را دارد و این امر (جشن در روز نزول رحمت)، در شرایع پیشین نیز سابقه داشته است، چنانکه به صریح قرآن، حضرت عیسی علیه السلام از خدای متعال درخواست کرد مائده‌ای آسمانی بر وی و جمع یارانش فرو فرستد تا روز نزول مائده را او و پیروانش - در توالی نسلها - عید گیرند:

«قال عيسى بن مريم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا وآخرنا و آية منك ...»
(مائدة/114).

همانگونه که یادآور شدیم، بدعت عبارت از آن نوع تصرفات در دین است که برای آنها مدرک صحیحی در شرع (به صورت خاص یا عام) وجود نداشته باشد، و باید توجه نمود که روایات ائمه اهل بیتعلیهم السلام، به حکم حدیث متواتر "ثقلین"، از مصادر شریعت و دلایل احکام دینی به شمار می‌رود. بنابر این، هرگاه حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین بر جواز یا منع چیزی تصریح کنند، پیروی از گفتار آنان پیروی از دین بوده و مشمول عنوان بدعت‌گذاری در دین نخواهد بود.

در پایان یادآور می‌شویم بدعت به معنی تصرف بدون اذن، پیوسته قبیح و حرام بوده و قرآن از آن بان جمله: «آ الله اذن لكم ام على الله تفترون» (یونس/59) یاد می‌کند. در این صورت تقسیم بدعت (به این معنی) به قبیح و حسن و حرام و جائز، معنی صحیحی نخواهد داشت.

آری "بدعت" در معنای عام لغوی آن، به معنی نوآوری در امور زندگی بدون آنکه آن را به شرع منسوب دارند، می‌تواند صور گوناگون داشته و مشمول یکی از احکام خمسہ تکلیفیه (واجب، حرام، مکروه، مستحب و مباح) قرار گیرد.

پی‌نوشتها:

1. بحار الانوار: 2/263; مسند احمد: 4/126-127.

2. بحار الانوار: 74/202.

3. فتح الباری: 5/156، 17/9.

4. جامع الاصول 1/238. در اصل یکصد و سی و یکم درباره مهر ورزیدن به رسول گرامی و عترتش به طور گسترده سخن خواهیم گفت.

منشور عقاید امامیه صفحه 219